

مجموعه نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی ۱۴

زیر نظر فرزانه سجودی

مقدمه‌ای بر معاشناسی شناختی

تألیف:

دکتر لیلا اردبیلی

دکتر بلقیس روشن

(عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور)

نشر علم

تهران - ۱۳۹۳

سرشناسه : روشن، بلقیس
 عنوان و نام پدیدآور : مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی / تألیف بلقیس روشن، لیلا اردبیلی.
 مشخصات نشر : تهران: نشر علم، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری : ۲۴۰ ص.
 فروست : مجموعه نشانه‌شناسی و زبان‌شناسی؛ ۱۳ / زیر نظر فرزانه سجودی.
 شابک : ۸ - ۴۹۲ - ۲۲۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 موضوع : معنی‌شناسی
 موضوع : زبان - فلسفه
 شابک افزوده : اردبیلی، لیلا
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۱ م ۷/۹ P۳۲۵
 رده‌بندی دیویی : ۴۱۵
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۱۳۸۳۸



نسخه

مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی

بلقیس روشن، لیلا اردبیلی

چاپ اول، ۱۳۹۲

تیراژ: ۵۵۰ نسخه

لیتوگرافی: باختار

چاپ: چاووشگران نقش

مرکز پخش علم: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن‌بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۸ - ۴۹۲ - ۲۲۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

فهرست مطالب

پیشگفتار

مقدمه

فصل اول: معناشناسی شناختی چیست؟

- ۲۳ ۱. مقدمه
- ۲۴ ۱.۱. برخی از اصول معناشناسی شناختی
- ۲۴ ۱.۱.۱. ساختار مفهومی بدن مند است
- ۲۶ ۲.۱.۱. ساختار معنایی ساختار مفهومی است
- ۲۹ ۳.۱.۱. بازنمایی معنایی دایرةالمعارفی است
- ۴.۱.۱. ساخت معنایی مفهوم سازی شده است
- ۳۱ ۲.۱. پدیده های مورد بررسی در معناشناسی شناختی
- ۳۱ ۱.۲.۱. پایه جسمیت یافتگی معنا
- ۳۲ ۲.۲.۱. ساختار مفهومی
- ۳۴ ۳.۲.۱. معناشناسی دایرةالمعارفی
- ۳۵ ۴.۲.۱. نگاشت
- ۳۷ ۵.۲.۱. مقوله بندی
- ۳۹ ۶.۲.۱. معنای کلمه و چندمعنایی
- ۴۰ ۳.۱. روش شناسی
- ۴۱ ۴.۱. خلاصه مطالب

فصل دوم: بدن مندی و ساختار مفهومی

- ۴۴ ۲. مقدمه
- ۴۶ ۱.۲. طرحواره های تصویری

- ۴۷ ۱.۱.۲. طرحواره تصویری چیست؟
- ۴۹ ۲.۱.۲. ویژگی‌های طرحواره‌ها
- ۴۹ ۱.۲.۱.۲. افکار انتزاعی و طرحواره تصویری
- ۵۰ ۲.۲.۱.۲. طرحواره تصویری ذاتاً پیش‌مفهومی است
- ۵۰ ۳.۲.۱.۲. طرحواره تصویری از تعامل با محیط ایجاد می‌شود
- ۵۱ ۴.۲.۱.۲. طرحواره تصویری به صورت ذاتی معنادار است
- ۵۲ ۵.۲.۱.۲. طرحواره تصویری دارای بازنمایی آنالوگی است
- ۵۲ ۶.۲.۱.۲. طرحواره تصویری می‌تواند به لحاظ درونی پیچیده باشد
- ۵۳ ۷.۲.۱.۲. طرحواره‌های تصویری با تصویر ذهنی یکی نیستند
- ۵۴ ۸.۲.۱.۲. طرحواره‌های تصویری دارای الگوهای چندگانه هستند
- ۵۴ ۹.۲.۱.۲. متحرک و مکان ثابت
- ۵۶ ۳.۱.۲. طرحواره‌های تصویری، معنای زبانی و تفکر انتزاعی
- ۵۷ ۲.۲. ساختار مفهومی
- ۵۸ ۳.۲. ساختار معنایی
- ۶۱ ۴.۲. خلاصه مطالب

فصل سوم: دیدگاه دایرةالمعارفی

- ۶۴ ۳. مقدمه
- ۶۴ ۱.۳. دیدگاه لغت‌نامه‌ای و دیدگاه دایرةالمعارفی
- ۶۴ ۱.۱.۳. دیدگاه لغت‌نامه‌ای
- ۶۷ ۲.۱.۳. کاستی‌های دیدگاه لغت‌نامه‌ای
- ۷۰ ۳.۱.۳. دیدگاه دایرةالمعارفی
- ۷۱ ۱.۳.۱.۳. بین معناشناسی و کاربردشناسی تمایز اصولی وجود ندارد
- ۷۲ ۲.۳.۱.۳. دانش دایرةالمعارفی دارای ساختار است
- ۳.۳.۱.۳. واحدهای واژگانی نقاط دسترسی به دانش دایرةالمعارفی هستند
- ۷۳ ۴.۳.۱.۳. دانش دایرةالمعارفی پویا است
- ۷۴ ۲.۳. معناشناسی قالبی
- ۷۵ ۱.۳.۳. پیامدهای پذیرش الگوی قالب‌بنیاد فیلمور

- ۷۵ ۱،۱،۲،۳. واژه‌ها و مقوله‌ها به قالب‌ها وابسته‌اند
- ۷۶ ۲،۱،۲،۳. قالب‌ها زاویه دید خاصی ایجاد می‌کنند
- ۷۶ ۲،۲،۳. قالب‌بندی جایگزین برای موقعیتی واحد
- ۷۷ ۳،۳. نظریه قلمروها
- ۷۷ ۱،۳،۳. قلمرو چیست؟
- ۷۹ ۱،۳،۳. قلمروهای انتزاعی و پایه‌ای و طرحواره‌های تصویری
- ۸۲ ۳،۳،۲. نظریه قلمروهای پایه‌ای لنگاکر و طرحواره‌های تصویری
- ۸۵ ۴،۳،۳. ویژگی‌های دیگر قلمرو
- ۸۵ ۱،۴،۳،۳. بعدداری
- ۸۶ ۱،۴،۳،۳. قلمروهای مکانی در مقابل قلمروهای شکلی
- ۸۷ ۴،۳. سازمان شرح صحنه- پایگاه (قلمرو)
- ۹۰ ۵،۳. خلاصه مطالب

فصل چهارم: مقوله‌بندی و الگوهای شناختی آرمانی‌شده

- ۹۲ ۴. مقدمه
- ۹۳ ۱،۴. مقوله‌بندی و معناشناسی شناختی
- ۹۵ ۱،۱،۴. اصول مقوله‌بندی
- ۹۵ ۱،۱،۱،۴. اصل اقتصاد شناختی
- ۹۵ ۲،۱،۱،۴. اصل ساختار جهان دریافت شده
- ۹۶ ۲،۱،۴. اصل نظام مقوله‌بندی
- ۹۷ ۲،۴. ویژگی مقوله‌های پیش‌نمونه‌ای
- ۱۰۱ ۳،۴. مشکلات موجود در نظریه پیش‌نمونه
- ۱۰۵ ۴،۴. نظریه الگوهای شناختی آرمانی‌شده
- ۱۰۶ ۵،۴. ساختار الگوهای شناختی آرمانی‌شده
- ۱۰۸ ۱،۵،۴. الگوهای شناختی آرمانی‌شده طرحواره‌ای- تصویری
- ۱۰۹ ۲،۵،۴. الگوهای شناختی آرمانی‌شده گزاره‌ای
- ۱۱۱ ۳،۵،۴. الگوهای شناختی آرمانی‌شده استعاره‌ای
- ۱۱۱ ۴،۵،۴. الگوهای شناختی آرمانی‌شده مجازی
- ۱۱۲ ۵،۵،۴. الگوهای شناختی آرمانی‌شده نمادین
- ۱۱۲ ۶،۴. خلاصه مطالب

فصل پنجم: استعاره شناختی

۵. مقدمه

۱۱۴

۱.۵. استعاره و پیشینه مطالعات مربوط به استعاره مفهومی

۱۱۵

۲.۵. استعاره مفهومی

۱۱۸

۳.۵. نظریه استعاره مفهومی

۱۲۳

۱.۳.۵. تک‌سویگی در استعاره

۱۲۳

۲.۳.۵. انگیزه برای مقصد و مبدأ

۱۲۴

۳.۳.۵. الزامات استعاری

۱۲۶

۴.۳.۵. نظام‌های استعاری

۱۲۶

۵.۳.۵. استعاره و طرزخواره تصویری

۱۲۸

۶.۳.۵. اصل نبات

۱۲۹

۷.۳.۵. ماهیت مفهومی استعاره

۱۳۱

۸.۳.۵. نهان‌سازی و برجسته‌سازی

۱۳۲

۴.۵. نظریه استعاره اولیه

۱۳۳

۵.۵. استعاره‌های اولیه و استعاره‌های مرکب

۱۳۳

۶.۵. تشخیص استعاره‌های اولیه از استعاره‌های مرکب

۱۳۵

۱.۶.۵. فقر نگاشت

۱۳۶

۲.۶.۵. فقدان اساس تجربی واضح

۱۳۷

۷.۵. مجاز چیست؟

۱۴۰

۸.۵. مجاز مفهومی

۱۴۴

۱.۸.۵. مجاز به مثابه مکانیسم دسترسی

۱۴۵

۲.۸.۵. رابطه‌های تولیدکننده مجاز

۱۴۶

۳.۸.۵. ابزار مجاز

۱۴۸

۹.۵. تعامل مجاز و استعار

۱۴۹

۱.۹.۵. شیوه تعامل استعاری - مجازی

۱۵۰

۲.۹.۵. پایه‌های مجازی در استعاره

۱۵۱

۱۰.۵. خلاصه مطالب

۱۵۲

فصل ششم: نظریه فضاهای ذهنی و ساخت معنا

- ۱۵۶ ۶. مقدمه
- ۱۵۷ ۱.۶. معنای جمله در معناشناسی صوری
- ۱۵۹ ۲.۶. ساخت معنا در معناشناسی شناختی
- ۱۶۴ ۳.۶. درباره نظریه شناختی ساخت معنا
- ۱۶۷ ۴.۶. ساختمان سازه فضای ذهنی
- ۱۶۸ ۱.۴.۶. فضاها
- ۱۶۸ ۲.۴.۶. عناصر
- ۱۷۰ ۳.۴.۶. ویژگی‌ها و روابط
- ۱۷۱ ۴.۴.۶. شبکه‌های فضای ذهنی
- ۱۷۱ ۵.۴.۶. نقاط متناظر و رابط‌ها
- ۱۷۳ ۶.۴.۶. اصل دسترسی
- ۱۷۴ ۷.۴.۶. نقش‌ها و ارزش‌ها
- ۱۷۵ ۵.۶. فضاهای ذهنی به مثابه واقعیت‌های جعلی
- ۱۷۶ ۶. خلاصه مطالب

فصل هفتم: نظریه آمیختگی مفهومی

- ۱۸۰ ۷. مقدمه
- ۱۸۲ ۱.۷. منشاء نظریه آمیختگی
- ۱۸۴ ۲.۷. نظریه آمیختگی
- ۱۸۸ ۳.۷. ماهیت آمیختگی
- ۱۸۹ ۱.۳.۷. عناصر آمیختگی مفهومی
- ۱۹۱ ۲.۳.۷. نمونه‌های غیرزبانی از آمیختگی مفهومی
- ۱۹۱ ۱.۲.۳.۷. صفحه میزکار رایانه
- ۱۹۲ ۲.۲.۳.۷. حیوانات سخنگو
- ۱۹۴ ۳.۲.۳.۷. آداب و رسوم
- ۱۹۵ ۴.۷. روابط حیاتی و فشرده‌سازی
- ۱۹۷ ۱.۴.۷. روابط حیاتی
- ۱۹۸ ۲.۴.۷. طبقه‌بندی روابط حیاتی و فشرده‌سازی آنها

۱۹۸	۱،۲،۴،۷. زمان
۱۹۹	۲،۲،۴،۷. مکان
۱۹۹	۳،۲،۴،۷. هویت
۲۰۰	۴،۲،۴،۷. بازنمایی
۲۰۰	۵،۲،۴،۷. تغییر
۲۰۱	۶،۲،۴،۷. نقش - ارزش
۲۰۲	۷،۲،۴،۷. شباهت
۲۰۳	۸،۲،۴،۷. عدم شباهت
۲۰۴	۹،۲،۴،۷. جزء - کل
۲۰۴	۱۰،۲،۴،۷. زمانی
۲۰۵	۱،۲،۴،۷. قصدمندی
۲۰۵	۱۲،۲،۴،۷. علت و معلول
۲۰۵	۱۳،۲،۴،۷. ویژگی
۲۰۶	۵،۷. تجزیه و پراکندگی
۲۰۷	۶،۷. فهرستی از شبکه‌های تلفیقی
۲۰۷	۱،۶،۷. شبکه‌های ساده
۲۰۸	۲،۶،۷. شبکه‌های آینه‌ای
۲۰۸	۳،۶،۷. شبکه‌های تک‌ساحتی
۲۰۹	۴،۶،۷. شبکه‌های دوساحتی
۲۱۱	۵،۶،۷. آمیختگی چندگانه
۲۱۳	۷،۷. تحدید و اصول بهینگی در نظریه آمیختگی
۲۱۵	۸،۷. آمیختگی فرایندی در صحنه حاضر
۲۱۶	۹،۷. خلاصه مطالب
۲۱۷	کتابنامه
۲۲۵	واژه‌نامه فارسی به انگلیسی
۲۳۰	واژه‌نامه انگلیسی به فارسی

تقدیم به:

دانشمند بزرگوار، دکتر کورش صفوی

www.ketab.ir

پیشگفتار

مدت زمانی بود که نگارش یک کتاب مقدماتی برای معرفی اصول زبان‌شناسی شناختی به عنوان علمی که در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از محافل علمی قرار گرفته است، فکرم را مشغول کرده بود. ولی اینکه این کتاب باید در چه ابعاد و چه عمقی به موضوع پردازد همواره مانعی بود بر سر راه عملی کردن این فکر. تا اینکه تصمیم گرفته شد تنها به ترجمه‌ای از یک کتاب در این زمینه اکتفا کنیم و برای اینکه کار از کیفیت بهتری برخوردار باشد تصمیم گرفتیم تنها به معرفی اصول مطرح در یکی از رویکردهای عمده زبان‌شناسی شناختی، یعنی معناشناسی شناختی (نه رویکردهای شناختی به دستور)، قناعت کنیم.

در ابتدا قرار بود تنها ترجمه‌ای وفادار از بخشی از کتاب *مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی* نوشته ایوانز و گرین (۲۰۰۶) انجام شود، اما هنوز چند صفحه‌ای از ترجمه کتاب نگذشته بود که دریانتم برخی از مطالب برای ارائه مقدمه در باب معناشناسی شناختی ناکافی است و یا مثال‌هایی که وجود دارند اگر به انگلیسی بیان شوند چندان برای فهم مخاطب از این علم جدید راه‌گشا نخواهند بود. در نتیجه تصمیم گرفتیم که مثال‌ها تا حد امکان از زبان فارسی انتخاب شوند. علاوه بر این، جاهایی که احساس می‌شد مطالب برای یک کتاب مقدماتی بیش از اندازه کلی است و یا برای فهم بهتر موضوع به پیش‌زمینه‌هایی نیاز است از منابع و مقاله‌های موجود در این زمینه نیز استفاده شد.

این کتاب در حد یک کتاب مقدماتی می‌تواند در آشنایی با مباحث معناشناسی شناختی برای دانشجویان زبان‌شناسی، روان‌شناسی، مردم‌شناسی و علوم اجتماعی و کلیه علاقه‌مندان به بحث‌های شناختی مفید باشد.

کتاب حاضر که در هفت فصل تدوین شده است به دنبال ارائه مفاهیم مطرح در معناشناسی شناختی است، مفاهیمی که تا حد زیادی در چند دهه اخیر به سایر علوم راه یافته‌اند و این علوم با بکارگیری این مفاهیم به دنبال ارائه بازتعریفی از دیدگاه‌های خود هستند.

بلقیس روشن و لیلا اردبیلی

تهران، اسفندماه ۱۳۹۱

www.ketab.ir

معناشناسی^۱ علم معانی است. این تعریف را برای نخستین بار میشل بره‌آل^۲ در سال ۱۸۷۹ ارائه کرد و به اعتقاد رویینز (۱۳۷۰: ۳۹۶) در واقع اصطلاح "معناشناسی" را در تاریخ علم زبان‌شناسی ابداع نمود. بره‌آل اصطلاح فرانسوی semantique (سمانتیک) را بر اساس کلمه semantikos از یونانی باستان وضع کرد (لوژان^۳، ۲۰۱۰: ۲۸۶) که خود اشتقاقی از ریشه semsa (به معنی نشانه) است.

از یونان باستان تا عصر حاضر فیلسوفان، منطق‌دانان و زبان‌شناسان به مطالعه معنا پرداخته‌اند، لذا معناشناسی معمولاً به سه شاخه عمده و متمایز تقسیم می‌شود: معناشناسی فلسفی^۴، معناشناسی منطقی^۵ و معناشناسی زبانی^۶.

معناشناسی فلسفی که قدیمی‌ترین شاخه است بخشی از مطالعه فلسفه زبان را تشکیل می‌دهد و به بررسی روابط بین عبارات‌های زبانی و پدیده‌های موجود در جهان خارج می‌پردازد که این عبارات‌ها به آنها ارجاع می‌کنند. افلاطون در قرن چهارم ق. م. در رساله‌های کراتیلوس و لاکس‌آرای خود را در این باره ارائه می‌کند (صفوی، ۱۳۷۹: ۲۸) و طبق سنت یونان باستان زیر چتر فلسفه مطالعات معنایی خود را انجام می‌دهد.

معناشناسی منطقی به مطالعه معنای عبارات‌ها در چهارچوب نظام‌های منطقی تحلیل می‌پردازد و در واقع بخشی از منطق ریاضی است. تاریخی^۷ یکی از

-
1. semantics
 2. Micheal Breal
 3. E.R. Luján
 4. philosophical semantics
 5. logical semantics
 6. linguistic semantics
 7. A. Tarski

چهره‌های سرشناس این رشته است که زبان را ابزاری برای بیان واقعیت‌ها و جهان خارج از زبان در نظر می‌گیرد. در این نوع مطالعات معنا با مراجعه به جهان خارج، با استفاده از رهیافت ارجاعی^۱، مطالعه و تعیین می‌شود.

معناشناسی زبانی، بعنوان سومین شاخه، و آنچه که در واقع مورد نظر بره‌آل بود، بر مطالعه ویژگی‌های معنایی زبان‌های طبیعی تأکید دارد و بخشی از دانش زبانی محسوب می‌شود که خود به چندین شاخه قابل تقسیم است. در معناشناسی زبانی، سوی دیگر معادله نه فلسفه قرار دارد و نه ریاضی، بلکه خود زبان مورد توجه قرار می‌گیرد و معنای زبانی^۲ (=معنای تحت‌اللفظی = معنای ساختاری^۳) واحدهای زبانی، که گاه بدان معنای بافت‌آزاد^۴ نیز گفته می‌شود، با استفاده از رهیافت بازنمودی^۵ توصیف می‌گردد.

سوالی که در معناشناسی زبانی پیش می‌آید این است که جایگاه معناشناسی در مطالعه دانش زبان دقیقاً کجاست. آیا می‌توان ادعا کرد که زبان‌شناسی علمی است که در یک سر آن آواشناسی و در سر دیگر آن معناشناسی قرار دارد و همه سطوح زبانی دیگر، چون نحو و واج‌شناسی، از هم جدا و مستقل عمل می‌کنند؟ یکی از زبان‌شناسانی که جدایی معناشناسی از سایر سطوح زبانی را مردود می‌شمارد رونالد لنگاکر^۶ است. لنگاکر (۱۹۸۷) معتقد است که نمی‌توان سطح مستقلی را برای مطالعه معنا، آن هم صرفاً در محدوده زبان، تعیین کرد. به عقیده وی معنا دارای گستره وسیعی است که می‌تواند همه جنبه‌های بالقوه تأثیرات شناختی در سخن سخنگویان یک زبان را دربرداشته باشد و نمی‌توان خط مرزی قاطعی بین علم معناشناسی و سایر علوم زبان‌شناختی، مانند کاربردشناسی^۷، ترسیم کرد.

-
1. referential approach
 2. literal meaning
 3. structural meaning
 4. context-free meaning
 5. representational approach
 6. R. Langacker
 7. pragmatics

در ادامه روند شکل‌گیری معناشناسی را به‌طور کلی، و معناشناسی شناختی^۱ را به‌طور اخص، از نظر می‌گذرانیم.

عصر بلومفیلد^۲

در نیمه اول قرن بیستم، در آمریکا چهره‌های سرشناس روان‌شناسی در تلاش بودند تا فلسفه تجربه‌گرایی و بخصوص اثبات‌گرایی منطقی را به‌کارگیرند. این رویکرد در مباحث و آرایه نظریه‌های علمی بر داده‌های قابل مشاهده و عینی تأکید داشت. روان‌شناسان رفتارگرا آن زمان نیز با رویکرد درون‌نگرانه ذهنی، که در پایان قرن نوزدهم رویکردی غالب بود، کاری نداشتند. لئونارد بلومفیلد، از چهره‌های سرشناس زبان‌شناسی ساختارگرای آمریکایی در نیمه اول قرن بیستم، نیز تحت تأثیر رفتارگرایی قرار داشت. فصل اول کتاب وی، تحت عنوان زبان^۳ (بلومفیلد، ۱۹۳۳)، با عنوان "معنا" این تأثیرپذیری را به‌خوبی نشان می‌دهد:

ما معنای زبانی را به مثابه موقعیتی تعریف می‌کنیم که در آن سخنگو پاره‌گفتاری را ادا کرده و پاسخ مورد نظر را در مخاطب خود برمی‌انگیزاند ... به‌منظور ارائه تعریف دقیق از معنای زبانی، باید بتوانیم به‌لحاظ علمی دانشی صحیح از هر آنچه که در دنیای سخنگو وجود دارد داشته باشیم. (همان: ۲۷).

الگوی معنایی محرک-پاسخ^۴ بلومفیلد به‌وضوح نشان می‌دهد که چگونه او جنبه ذهنی معنا را نادیده گرفته است و سعی در بنا کردن پایه‌های ساختاری-دستوری ناب برای مطالعه معنا دارد. بلومفیلد این فصل را با بحث درباره چندمعناها، هم‌معناها، ویژگی‌های معنایی، معناهای ضمنی، سبک زبان کوچه بازاری و دژواژه‌ها^۵ ادامه می‌دهد و هرگز به مسایل ذهنی مربوط به معنا نمی‌پردازد. وی درباره معنای جمله صحبت نمی‌کند و مطالعات معنای زبانی او محدود به

1. cognitive semantics

2. L. Bloomfield

3. Language

4. stimulus-response

5. taboos

بررسی واژگان است؛ البته می‌توان علت این امر را در دیدگاه رفتارگرایی غالب آن زمان جستجو کرد که مانع بزرگی در سر راه زبان‌شناسان و متعاقباً رشد معناشناسی زبانی به حساب می‌آمد، مانعی که تا دوره نوام چامسکی^۱ سد راه این گروه از محققان به شمار می‌رفت.

روند پیدایش معناشناسی شناختی

انقلاب چامسکی

بعد از دوره رویکرد اثبات‌گرا به معنا و حذف عوامل و مسایل ذهنی در مطالعه معنا، و با انقلاب چامسکی و چاپ کتاب *ساخت‌های نحوی*^۲ (چامسکی، ۱۹۵۷) که آغازی برای دوره ورود مسایل ذهنی به مطالعات زبان‌شناسی بود، این امید در معناشناسان به وجود آمد که بتوانند معنای زبانی را از منظر دیگری مورد مطالعه قرار دهند و پاسخ سوالات ایجاد شده در دوره قبلی را به دست آورند. ولی طولی نکشید که دریافتند قواعد ریاضی‌گونه و تحلیل‌های صوری چامسکی و فرمول‌ها و نمودارها و ساخت سلسله‌مراتبی او در تبیین زبانی زبان به آن اندازه که در نحو کارایی دارد در معناشناسی کارآمد نیست.

با این حال توفیق تحلیل‌های نحوی در بررسی ساختار دستوری جمله‌ها، پایه‌های مکتبی با نام معناشناسی زایشی^۳ را ایجاد کرد (دبیرمقدم، ۱۳۷۹: ۲۳۸). صاحب‌نظران این مکتب معتقد بودند که معنا مستقیماً و بدون نیاز به ژرف‌ساخت نحوی^۴ به روساخت^۵ مرتبط می‌شود. کار زبان‌شناسانی مانند پستال^۶، مکالی^۷، راس^۸ و لیکاف^۹ را می‌توان در قالب این چهارچوب دانست. اینکه معناشناسی زایشی با چه مشکلات و انتقاداتی روبرو بود و نهایتاً چگونه از دورن به بن‌بست رسید در

1. N. Chomsky
2. Syntactic Structures
3. generative semantics
4. deep structure
5. surface structure
6. J. Postal
7. J. McCawley
8. J. F. Ross
9. G. Lakoff

این بحث نمی‌گنجد ولی از دستاوردهای این چهارچوب نظری می‌توان قواعد ایکس-تیره، تجزیه واژگانی، محدودیت‌های اشتقاقی و صورت منطقی^۱ را که بعدها در برنامه کمینه‌گرایی^۲، وظیفه کنترل معنا را برعهده داشت نام برد.

مونتاژیو^۳ و رویکرد واقع‌گرا^۴

دوره بعد به دستاوردهای مونتاژیو (۱۹۷۰، ۱۹۷۳) و کسانی مربوط می‌شود که اعتقاد داشتند به کمک ابزارهای منطق می‌توان معنای جملات را نمایش داد و بدین ترتیب رویکرد ایشان نسبت به معناشناسی رویکردی واقع‌گراست و بر این اساس معنای عبارات زبانی را به‌عنوان چیزی در جهان خارج از زبان در نظر می‌گیرند. در این رویکرد روش پیوند نمادهای زبانی با واقعیت‌های جهان خارج مورد توجه است. این گروه از معناشناسان که مطالعات آنها تحت عنوان کلی معناشناسی صوری^۵ قرار می‌گیرد از تکنیک‌های تحلیلی علم منطق برای تحلیل معنا در زبان‌های طبیعی بهره می‌برند و تحلیل معنایی را در سه مرحله به انجام می‌رسانند. این مراحل چنانکه صفوی (۱۳۷۹: ۳۲۳) می‌نویسد عبارتند از: (۱) برگردان جملات یک زبان طبیعی به زبان منطقی که قواعد نحوی و معنایی‌اش به صراحت تعریف شده‌اند، (۲) تعیین و ثبت ریاضی‌وار از موقعیت‌هایی که زبان به توضیح‌شان می‌پردازد، و (۳) روال‌هایی که صدق یا کذب جملات این زبان منطقی را با جهان خارج محک می‌زنند. معناشناسی واقع‌گرا به دو شیوه ارایه می‌شده است، یکی معناشناسی مصداقی^۶ و دیگری معناشناسی نگرشی^۷ (گاردنفرز^۸، ۱۹۹۹: ۱۹). در معناشناسی مصداقی نمادهای زبان به مصداق‌هایی در جهان خارج دلالت دارند و صحت و سقم معنای جمله با توجه به موقعیت جهان خارج تعیین می‌شود. هدف

-
1. logical form
 2. Minimalist program
 3. R. Montague
 4. realistic approach
 5. formal semantics
 6. extensional semantics
 7. intensional semantics
 8. R. Gärdenfors

اصلی معناشناسی مصداقی تعیین شرایط صدق^۱ جملات یک زبان است و پیامد این رویکرد آن است که معنای یک عبارت مستقل از چگونگی درک آن توسط کاربران زبان است (همان). این نوع معناشناسی که عموماً تحت عنوان معناشناسی مشروط به صدق^۲ از آن یاد می‌شود نتایج نامطبوعی را به دنبال داشت؛ برطبق اصول این معناشناسی اگر دو جمله صادق یا کاذب باشند هم معنا محسوب می‌شوند. نتیجه ثابت کرد که این رویکرد اساساً غیرقابل دفاع است و درسی که باید از آن گرفت این است که معنای جمله نه با ارزش صدق، بلکه با شرایط صدق جمله هم‌ارز است.

به اعتقاد لیکاف (۱۹۷۷)، حتی اگر بپذیریم که هر نماد در زبان به چیزی در جهان خارج اشاره می‌کند، باز هم این رویکرد تنها به معنای صریح واژه دلالت می‌کند و این درحالیست که معناشناسی باید بتواند کلیه معانی همراه با واژه، مانند معانی مجازی، استعاری و ضمنی، را مورد بررسی قرار دهد؛ یعنی معنایی که انسان به کار می‌برد و درک می‌کند.

برای رفع این مشکل فیلسوفان، منطق دانان و زبان‌شناسان وارد صحنه شدند. از جمله آنها می‌توان مونتگ (۱۹۷۳) و پیش از او کریپکه^۳ (۱۹۵۹) را نام برد. که با استفاده از شیوه دوم رویکرد واقع‌گرای یعنی معناشناسی نگرشی، به مطالعه معنا پرداختند. در معناشناسی نگرشی هنوز هدف، تعیین شرایط صدق جملات با توجه به جهان خارج بود، البته نه یک جهان، بلکه در مجموعه‌ای از جهان‌های ممکن^۴ که در آن جملات مورد نظر صادق هستند (گاردنفورز، ۱۹۹۹: ۱۹).

این پیشرفت از تعیین شرایط صدق در یک جهان به تعیین شرایط صدق در جهان‌های ممکن اگرچه حرکتی به‌جا بود ولی توفیق چندانی نداشت و به‌زودی معلوم شد برای مترادف دانستن دو جمله تنها کافی نیست که بتوان ثابت کرد شرایط صدق آن دو جمله در جهان‌های ممکن یکسان است.

-
1. truth conditions
 2. truth-conditional semantics
 3. S. Kripke
 4. possible worlds

به این ترتیب، در پی انتقادات وارده بر معناشناسی واقع‌گرا، معناشناسی‌شناختی شکل گرفت. ایده اصلی در این نوع معناشناسی این است که معناها عبارت‌های ذهنی هستند و معنا به ساختار شناختی مربوط می‌شود نه به جهان بیرون یا جهان‌های ممکن. معناشناسی‌شناختی زبان را به‌عنوان بخشی از ساختار شناختی تلقی می‌کند و برخلاف نظر چامسکی قایل بر استقلال زبان از سایر قوای شناختی نیست. گفته می‌شود معناشناسان‌شناختی به مانند سوسور بر این باورند که در نشانه‌های زبانی دو عنصر واج و معنا واقعیتی روان‌شناختی دارند و به ذهن مربوط می‌شوند. از این جهت آنها غالباً به تحلیل شناختی رابطه دال و مدلول توجه می‌کنند. به همین دلیل است که این نوع معناشناسی در راستای معناشناسی سوسوری قرار می‌گیرد.

از نظر معناشناسان شناختی انسان تجربه‌هایی را که از محیط اطراف خود کسب می‌کند در ذهن به‌صورت مفاهیم انبار می‌کند. این مفاهیم برای برقراری ارتباط با دیگران و از همه مهمتر، برای تفکر مورد استفاده قرار می‌گیرند. شالوده تفکر معناشناسان شناختی این واقعیت است که دانش زبانی بخشی از شناخت عام آدمی است.

کتاب حاضر که در هفت فصل تنظیم گردیده بر آن است تا تصویری از دغدغه‌های اصلی معناشناسی شناختی را، به‌خصوص در چند دهه اخیر، ارائه دهد. همان‌طور که در پیشگفتار نیز گفته شد برخی از مباحث، جدول‌ها و نمودارهای این کتاب و نیز چیدمان فصل‌ها با توجه به کتاب مقدمه‌ای بر زبان‌شناسی شناختی^۱ اثر ایوانز^۲ و گرین^۳ (۲۰۰۶) انجام شده است ولی در طول کتاب سعی شده است تا با استفاده از برخی مقاله‌ها و کتاب‌های مطرح در این زمینه از طرح مباحث کلی اجتناب و با ارائه مثال‌ها از زبان فارسی به مخاطب در درک بهتر و عمیق‌تر مباحث شناختی کمک شود.

فصل اول کتاب حاضر اصول و برخی از پارادایم‌های معناشناسی شناختی را معرفی می‌کند که برای درک فضای فکری حاکم بر این رشته اهمیت دارند. فصل دوم یکی از مهمترین ادعاهای این رشته، یعنی بدن‌مندی ساختار مفهومی^۱، را مطرح می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه این مسئله در زیربنای بسیاری از نظریه‌های مطرح در معناشناسی شناختی به طور خاص، و زبان‌شناسی شناختی به طور کل، وجود دارد. فصل سوم کتاب با بیان دیدگاه دایرةالمعارفی^۲ به این مهم می‌پردازد که چگونه این دیدگاه توانسته بسیاری از ناکارآمدی‌های دیدگاه لغت‌نامه‌ای را جبران کند و به همین دلیل در معناشناسی شناختی دیدگاه غالب محسوب می‌شود. فصل چهارم نیز موضوع مقوله‌بندی^۳ را در تاریخ معناشناسی بررسی می‌کند تا نشان دهد که اگرچه معناشناسی شناختی رویکرد کلاسیک را رد کرده است ولی این رویکرد تا حد زیادی موتور محرک نظریه‌پردازی‌های اولیه در معناشناسی شناختی بوده است. فصل پنجم استعاره مفهومی^۴ را به عنوان یکی از سازوکارهای عملکرد ذهنی زیربنایی مورد مطالعه قرار می‌دهد و بحث‌هایی را درباره پایه‌های مفهومی و مجازی موجود در استعاره بیان می‌کند. فصل‌های ششم و هفتم دو نظریه مطرح در معناشناسی شناختی — نظریه فضا‌های ذهنی^۵ و ساخت معنا و نظریه آمیختگی مفهومی^۶ — را بیان می‌کنند و نشان می‌دهند که چگونه این نظریه‌ها که در امتداد پیدایش هم قرار دارند دیدگاه نسبتاً جدیدی را درباره چگونگی ساخت معنا در ذهن ارائه داده‌اند.

1. embodiment of conceptual structure

معادل «بدن‌مند» و مشتقات آن از کتاب معناشناسی شناختی قرآن، تالیف علیرضا قائمی‌نیا (۱۳۹۰) اقتباس گردیده است.

2. encyclopaedic view

3. categorization

4. conceptual metaphor

5. mental space theory

6. conceptual blending theory